



انترناسیونال

۶۷

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۴ دی ۱۳۸۳، ۲۴ دسامبر ۲۰۰۴

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

نارضایتی ما حد ندارد!
گفتگو با یک مجروح جنگی
صفحه ۵

رفراندم، فعلا هفته ای یکبار کتک سه برادر دستگیر شده آزاد شدند
اطلاعیه کمیته کردستان
نوید مینایی
صفحه ۷

در حاشیه رویدادها
سیاوش دانشور
صفحه ۸

این یک مبارزه سخت و تعیین کننده بود!

گفتگو با مینا احدی هماهنگ کننده کمپین نجات حاجیه



است و من بسیار خوشحالم که حکومت اسلامی، که خاتمی و خامنه ای و شاهرودی مجبور شدند یکبار دیگر در مقابل انزجار و خشم انسانهای بسیاری زانو بزنند. این پیروزی را به همه کسانی که در این کمپین مهم و

و با هر تاکتیک حکومت کاری میکردیم و تصمیمی میگرفتیم. ولی این مبارزه برای شخص من بسیار حیاتی بود. ما باید پیروز میشدیم و شدیم. ما باید حکومت جنایت اسلامی را به زانو زدن وادار میکردیم و کردیم. این در مبارزه مردم برای به خاک مالیدن پوزه این جنایتکاران مهم

همه کسانی که در این مبارزه با تو شریک بودند سهمیم شوید. **مینا احدی:** این يك مبارزه سخت و تعیین کننده بود. ۱۰ روز کار شبانه روزی و مداوم و ده روز پر هیجان و پرکار برای تعداد زیادی که این پروژه مهم را به پیش میبردند. پیروزی از قبل تضمین شده نبود و باید هر لحظه

انترناسیونال: امروز این خبر بسیار هیجان انگیز و بسیار خوشحال کننده را شنیدیم که کمپین جهانی شما توانسته است انسانی دیگر، حاجیه اسماعیل وند را از عمل شنیع سنگسار اسلامی نجات دهد. قبل از هر چیز احساسات از شنیدن این خبر را با خوانندگان انترناسیونال و



ستون اول

محسن ابراهیمی

باز هم پیروزی! جمهوری اسلامی زانو زد

خبر تلخ و غم انگیز بود. بسیار تلخ و غم انگیز. قرار بود اراذل خدا و حکومتش زنی را در چاله اسلام به خون نشانند. قرار بود قلب حاجیه زیر باران سنگهای مقدس اسلامی از کار بیافتد. قرار بود عزیزانش در تصور فریادهای حاجیه در خون نشسته در اشک غرق شوند. قرار بود امروز یکبار دیگر عدالت اسلامی در سرزمین خدا جاری شود. قرار بود خدا و میرغضبهایش دور گودال عفت اسلامی حلقه بزنند و بر سر جنازه حاجیه پایکوبی کنند!

خبر شیرین و شادی بخش است. بسیار شیرین و شادی بخش. عدالت اسلامی در مقابل قدرت اعتراض انسانی عقب نشسته است. کمپین نجات حاجیه پیروز شده است. حکم سنگسار حاجیه اجرا نشده است. حکومت اسلامی یکبار دیگر زانو زده است. خدا و حکام و ساطورچانش مغلوب شده اند. و در سال گذشته برای چندمین بار مغلوب شده اند. زنده باد کمپین نجات حاجیه. زنده باد مینا احدی مسئول این کمپین. زنده باد هر انسان شریفی که به این کمپین پیوست و زندگی یک قربانی دیگر اسلام و حکومتش را نجات داد.

اما، يك لحظه درنگ کنید! این جمهوری اسلامی است. هر کاری از دستش بر می آید.

صفحه ۳

دو نمونه از اتحاد طبقاتی در میان کارگران!

صفحه ۷



قطعنامه سازمان ملل و مشکلات جمهوری اسلامی!

کازم نیکخواه

عجالتا به همان سیاست کشانده شده اند. آنچه به این قطعنامه اهمیت ویژه ای مبخشد در واقع خود مضمون قطعنامه نیست.

صفحه ۴

آنکه جنبه حقوق بشری آن مهم باشد، به معنای اینست که این بار دولت آمریکا در زیر فشار قرار دادن جمهوری اسلامی تنها نیست و دولتهای اروپایی نیز

حکومت در سطح بین المللی است و عوارض و پیامدهای خطرناکی میتواند برای حکومت اسلامی در سال آتی داشته باشد. تصویب این قطعنامه بیش از

تصویب قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل در محکومیت نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی در روز دوشنبه ۲۰ دسامبر، ضربه ای بر موقعیت

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

جهانی ما را یاری کردند و صدای این اعتراض را به گوش جهانیان رساندند، صمیمانه تبریک میگویم.

انترناسیونال: کمپین شما چه ابعدی داشت؟ چه کارهایی عملا انجام دادید؟ چه نیروهای سیاسی به شما کمک کردند؟ مشخصا چه نهادهای بین المللی از شما حمایت کردند؟ و چگونه؟

مینا احدی: این يك کمپین بسیار وسیع جهانی بود. بلافاصله بعد از رسیدن خبر حکم سنگسار حاجیه، دست به کار شدیم. نامه اعتراضی به زبانهای فارسی و انگلیسی و آلمانی فوراً تهیه شد و برای هزاران آدرس ارسال شد. دو روز طول نکشید که طومار ما را صدها نفر امضا کردند و پنج روز نکشید که امضا کنندگان از مرز ۲۰۰۰ نفر گذشت و اکنون به مرز ۴۰۰۰ نفر رسیده است. نامه ما به زبانهای دیگری و از جمله ایتالیایی به ابتکار دوستانی که خبر را شنیده بودند، ترجمه و وسیعا پخش شد. یکباره موج اعلام انزجار از این حکم و ابراز پشتیبانی از ما بسوی ما سرازیر شد. دفتری دارم که در آن پیامها و تلفنها و ابراز نظرها را نوشته ام. در این مجموعه از نویسندگان برزیلی که از ما حمایت کرده تا زنان سیاهپوش بلگراد تا فعالین زنان از ایتالیا و تا اسامی خانواده هایی از ایران که دسته جمعی از کمپین حمایت کرده اند را دارم. يك مجموعه با ارزش که بیانگر احساس و عاطفه و همدردی و خشم و در عین حال اعتماد و امید است.

ما در این حرکت بنظر من خیلی خوب کار کردیم. قبل از همه باید از زحمات شبانه روزی رفیق بسیار عزیز اصغر کریمی تشکر کنم که بدون کمک و رهنمودهای او این کمپین به اینجا نمی رسید. در عین حال این کمپین مشترک سازمان آزادی زن و کمیته بین المللی علیه سنگسار بود که با فعالیت شبانه روزی تعداد زیادی از فعالین این دو سازمان پیش رفت. من در اینجا از همه این دوستان صمیمانه تشکر میکنم. بویژه از زحمات پروین کابلی، مرسد قانیدی، کیمیا پازوکی، محمد آسنگران، نادر

شرفی، شهبلا نوری، آناهیتا، مریم کوشا، غریبه حسینی و رویا تیموری که با فعالیتهای زیاد توانستند پیشبرد و موفقیت این کمپین را تضمین کنند، تشکر میکنم.

این يك کمپین جهانی و مهم بود که به عرصه های مختلف پرداخت. تماس با سازمانهای مدافع حقوق انسانی، کشاندن خبر این حکم سنگسار به سطح میدیای میلیونی، جلب توجه افکار عمومی مردم در غرب و ایرانیان در ایران و در خارج از کشور، فشار آوردن به دولتهای غربی و مذاکره با کمیسیونهای حقوق بشر پارلمانها و خلاصه اعمال فشار به حکومت اسلامی برای عقب راندن آن.

همانطور که گفتیم استقبال از این کمپین بسیار عالی بود. صدها نامه اعتراضی در طول چند روز برای مقامات حکومت ارسال شد که رونوشت آن برای ما ارسال میشد. نامه هایی که با خشم فراوان از حکومت ایران میخواستند که فوراً این حکم را ملغی کند. ما شاید در فرصتی مناسب مجموعه این کارها و نامه ها را منعکس کنیم. چرا که گنجینه گرانبهائی است از اعلام نظر انسانهای عزیز بسیاری از اقصی نقاط جهان. نهادهای متعددی و سازمانهای مختلف مدافع حقوق انسانی از حرکت اعتراضی ما دفاع کردند، خبر این حکم را پخش کردند، نامه اعتراضی نوشتند و نامه ما را در سایتها و نشریات خود گذاشتند. سازمان عفو بین الملل، چند روز بعد از کمپین ما اعلام يك کمپین اضطراری کرد و ابعاد اعتراضات را گسترش بخشید. در هر حال به يك معنی دنیا را روی سر خودمان گذاشتیم و یکباره خبر این حکم به صدر رسانه های پرتیراژ بین المللی رانده شد. مثلاً ابزرور و یا نشریه مترو و گاردین و ایندپندنت و افتون بلاد و ... خیلی از رسانه های دیگر در مورد این حکم حرف زدند و عکس اعدامها را چاپ کردند. رسانه های فارسی زبان نیز به این مهم عطف توجه داشته و بارها با من و فعالین این کمپین مصاحبه کردند. رادیو انترناسیونال و تلویزیون کانال جدید در پیشبرد این کمپین نقش ویژه ای بازی کردند. اینها باعث شد که درایران نه فقط خبر وسیعا پخش شد، بلکه تعداد زیادی شروع به فعالیت کرده و به فعالین

این کمپین معین تبدیل شدند.

خلاصه این امر به يك افتضاح سیاسی مهم بر علیه حکومت ایران تبدیل شد و همین امر جنابان را بسیار عصبانی کرده بود، بطوریکه چند روز بعد از این سر و صداها به من زنگ زدند و پیام حکومت را دادند. آنها گفتند این بار کوتاه نمی آیم و من پاسخم این بود که مجبورتان میکنم و همین کار را کردیم. روز سه شنبه ۲۱ دسامبر، یعنی يك روز قبل از اعلام عقب نشینی حکومت، جمهوری اسلامی آخرین شانس خود را امتحان کرد و شایعه پخش کرد که فردا یعنی چهارشنبه حاجیه را به قتل میرسانند. حال با اعدام و یا سنگسار. اینهم به یکی از روزهای مهم و پرکار این کمپین تبدیل شد، فوراً ما به يك میتینگ شبانه فراخوان دادیم و در رادیوها و رسانه های مختلف مردم را دعوت کردیم به خیابان بریزند. در استکهلم و یوتبوری و کلن این کار را کردیم و در حالیکه سرمای هوا زیر ۱۰ درجه بود، تعداد قبل توجهی به خیابان ریخته و خبر این حرکت نیز در رسانه ها منعکس شد. آخرین دست و پا زدن حکومت خنثی شد و مقامات ریز و درشت و جنایتکار حکومت بالاخره مجبور شدند کوتاه بیایند.

انترناسیونال: سنگسار حاجیه متوقف شده است. اما آیا هنوز خطر اعدام بالای سر حاجیه آویزان است؟ کمپین شما هنوز برای لغو کامل حکم اعدام حاجیه ادامه خواهد داشت؟

مینا احدی: جمهوری اسلامی در مورد همه عقب نشینی هایی که کرده است، همواره يك راه بازگشت مجدد باز گذاشته است. این بار گفته که از نظر سلامت روانی حاجیه را مورد معاینه قرار خواهیم داد و بعداً در مورد حکم تصمیم گرفته خواهد شد. ما اعلام کردیم و همین جا نیز تکرار میکنم که حکومت اسلامی باید فوراً حاجیه را آزاد کند. این فشار روی حکومت ادامه خواهد یافت و نه فقط حاجیه بلکه باید لیلا و افسانه نوروزی و کیرا رحمانپور و... همگی فوراً آزاد شوند. اعدام قتل عمد انسانهاست و ما باید از این پیروزی بعنوان يك سکوی پرش استفاده کرده و حکومت را علی العموم در مورد سنگسار و

اعدام عقب برانیم.

انترناسیونال: موفقیت کمپینهای قبلی شما برای توقف سنگسار چند مورد بوده اند؟ آیا جمهوری اسلامی جرئت کرده است سراغ کیسهای قبلی برود و مجدد حکم سنگسار را برگرداند؟

مینا احدی: موفقیت ما در جلوگیری از سنگسار زیاد بوده و ما در مجموع توانسته ایم، در نیجریه البته به همراه سازمانهای دیگری آمنه لاوال و صفیه حسینی را نجات دهیم، در پاکستان زعفران بی بی و در سودان ابوکا و در ایران موفق شده ایم در طول دو سال گذشته مانع از اجرای احکام سنگسار شویم. و نه فقط این، بلکه حکومت را وادار کنیم که تعهد بدهد احکام جدید سنگسار نمی دهد و احکام قبلی را اجرا نمیکند. نفس اعلام کمپینهای جهانی و تبدیل هر حکم سنگسار به يك اعتراض جهانی، دولتها و باندهای تروریست اسلامی را محتاط تر کرده و به يك عامل مهم جلوگیری از اعلام و اجرای احکام سنگسار تبدیل شده است.

سنگسار و اعدام يك حربه مهم حکومت اسلامی در تعرض به مردم و عقب راندن آنهاست، بهمین دلیل حکومت اسلامی همیشه مجدداً دست به این حربه ها میبرد و سعی میکند عقب نشینی خود را به فراموشی سپرده و جلو بیاورد. اما ما تا کنون توانسته ایم مانع این کار شویم و همین بسیار مهم است. جلوگیری از سنگسار نه فقط از زاویه نجات جان انسانها بسیار مهم و حیاتی است، بلکه يك جنبه مهم عقب راندن حکومت اسلامی و اسلام سیاسی است. این امر در عین حال به ایجاد يك جبهه جهانی از انسانیت مترقی تبدیل شده است که بسیار مهم است.

انترناسیونال: در حالیکه شما کمپین بین المللی نجات جان حاجیه و کلا برای لغو سنگسار راه انداخته اید، عده ای تحت نام اپوزیسیون کمپینی به نام رفتارندم برای تغییر قانون اساسی "بر اساس اعلامیه جهانی حقوق بشر" راه انداخته اند. خیلی جالب است. در میان این رفتارندمچیهای حقوق بشری به سختی میتوان حتی يك مورد طومار نویسی برای نجات

انسانهایی مثل حاجیه را مشاهده کرد. بانوی صلحشان هم که مشغول راه انداختن کمیته جمع آوری مین است. این بی اعتنائی به حقوق بشری که جلوی چشمان این جماعت نابود میشود را چگونه توضیح میدهید؟

مینا احدی: اینها اولین بار نیست که چنین میکنند. وقتی حاجیه را به سنگسار محکوم میکنند و فقط بدلیل رابطه جنسی خارج از ازدواج پنج سال او را در زندان نگه داشته و مردی را که متهم به داشتن رابطه با او است به اعدام محکوم میکنند، این جماعت نه فقط خونشان به جوش نمی آید، بلکه حتی از کمپینهایی مثل همین کمپین ما نیز دفاع نمیکند و فقط نقش سانسورچی را بازی میکنند به این معنی که خبر این فعالیتها را هم در نشریات و سایتهاشان بشدت و با دقت سانسور میکنند. انگار نه انگار که چنین اتفاقی افتاده است و انگار نه انگار که دنیا دارد در این مورد حرف میزند. پشتاشان را کرده و میروند و خدا خدا میکنند که موضوع به نوعی تمام شود، فرق نمیکند سنگسار اتفاق بیفتد و اینهمه سر و صدا بخوابد. فریاد واخشوتتا در مورد اعدام و سنگسار از این جماعت بلند نمیشود. ولی در مقابل اعتراض ما در برلین و یا اعتراض دانشجویان در ۱۶ آذر نظر این جماعت فرق میکند و بطریق اولی در مورد اعتراض مردم از پایین و انقلاب بر علیه حکومت، همگی فریاد انقلاب مساوی خشونت است را سر میدهند. دلیل اینست که بخش مهمی از این صف طرفدار رفتارندم همان جریانات ملی اسلامی هستند که حکومتشان جمهوری اسلامی در مورد آنها جفا کرده و اینها را به بازی نگرفته است. اینها جنبشی هستند که راستهایش در حکومت اند و چپها نیز مشغول خدمات دادن به آن بوده و شغل شریفشان را کماکان ادامه میدهند. جریانات راستی همچون داریوش همایون نیز بنا به تعریف مشکلی با این رفتارندم ندارند، بنظر اینها هم روز مبادا باید به نوعی مردم را ساکت کرد و اعدام لاید يك حربه مهم در آن زمان خواهد بود چنانچه در گذشته بود و اکنون نباید

ز صفحه ۱

ستون اول

عقب نشسته است اما هنوز از پا نیافتاده است. تا سرکار است هنوز جان قربانیان در اسارتش در خطر است. تا سر کار است هنوز میتواند سراغ قربانیانش برود. کمپین نجات حاجیه تا لغو کامل حکم سنگسار باید ادامه یابد.

در ماههای اخیر تعداد صدور احکام سنگسار زیاد بوده است و تعداد عقب نشانندگان حکام اسلامی به زور مبارزه هم زیاد بوده است. این تناقض جمهوری اسلامی است. مجبور است حکم سنگسار بدهد. مجبور است عقب بنشیند. احکام سنگسار صادر میکند تا بیشتر سرپا بماند. از این احکام عقب مینشیند باز هم برای سرپا ماندن

بیشتر. هر حکم سنگسار مساوی است با نفرت و خشم گسترده تر. هر عقب نشینی مساوی است با جسارت و اعتماد بنفس بیشتر مردم. هم با حکم سنگسار و هم با لغوش زیر پای حکام اسلامی خالیتر میشود. جمهوری اسلامی زمانی هر حکم اعدام را از موضع قدرت صادر میکرد و با قدرت به اجرا در می آورد و با هر اعدامی به قدرتش می افزود. امروز احکام اعدامش را از استیصال صادر میکند و از سر استیصال عقب مینشیند و با هر عقب نشینی مستاصلتر میشود. ابزارهای قدرت جمهوری اسلامی به ابزارهای ضعفش تبدیل شده اند. و این نشانه

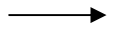
ای از يك جهش در توازن قوای سیاسی است. نباید گذاشت این جهش به عقب برگردد.

و اما این وسط، در این زورآزمایی میان قدیسین آدمخوار اسلامی از یکطرف و جبهه بشریت خواهان آزادی از طرف دیگر، صف "گفتمان" سازهای رفراوند در چه حالی است؟ کجای کمپین های نجات قربانیان نظام اسلامی قرار دارند؟ آیا کسانی از اهالی این دهکده "گفتمانهای" سانتیمانثال با نزدیک شدن روز کشتن حاجیه قلبشان بدر آمده است؟ در شادی پیروزی کمپین نجات حاجیه، در شادی خیر توقف سنگسار حاجیه سهیم شده اند؟ قلمهایشان را برای امضای

طومارهای این کمپین بیرون کشیده اند؟ نه خیر. اینها را به این کارهای پیش پا افتاده چکار؟ اینها "تخبگان" سیاسی هستند! اینها معلمان خود گمارده آموزش "دمکراسی" و "دگراندیشی" به مردم ایران هستند! اینها بشدت مشغول "تمرین دمکراسی" در میان خودشان هستند! قلم اینها مشغول اقناع دوست دوران دوم خرداشان، طراح وزرات اطلاعات هست که خارج از صفشان نماند. قلم اینها برای امضای طومارهای مهمتر مخصوص "تخبگان" ساخته شده است: طومار گدایی از ولی فقیه و خاتمی و رفسنجانی تا برایشان رفراوند تغییر قانون اساسی بگذارند! و همچنین اینها

پیروزیها و شادیها و اتفاقات مسرت بخش مخصوص به خودشان را دارند. و آخرین اتفاق مسرت بخش: يك آیت الله کم داشتند که آنهم پیدا شده است. منتظری به جمعشان پیوسته است و در کنار ژنرالهای آریامهری و بازجویان تحکیم وحدت جنسشان را جور کرده است.

بگذارید گفتمانجیهای رفراوند را در دنیای تخیلات ابلهانه خود تنها بگذاریم. در کمپ نجات جان حاجیه ها، در کمپ به زانو در آوردن حکام اسلامی، در کمپ سرنگونی جمهوری اسلامی دنیایی از هیجانانگ و شادیها، دنیایی از مبارزه ها و پیروزیها، دنیایی از کار در پیش داریم. *



انترناسیونال: هر عمل سنگساری

که به زور کمپینها و اعتراضات جهانی متوقف میشود يك خبر خوشحال کننده از نظر انسانی، يك عقب نشینی از طرف جمهوری اسلامی و يك پیروزی جنبشی است که میخواهد جمهوری اسلامی را به پایین بکشد. جدا از جنبه انسانی بلافاصله تلاشهایتان، آیا این کمپینها به سرنگونی نهایی جمهوری اسلامی و در نتیجه نجات کامل و قطعی هزاران حاجیه از جهنم سنگسار کنندگان هم کمک میکند؟

مینا احدی: بنظر من این يك جنبه مهم مبارزه علیه حکومت اسلامی است. اعدام يك حربه مهم حکومت

زیاد در مورد آن حرف زد و جنبش علیه اعدام را تقویت کرد. بهر حال فریاد رفراوند و مردم بیابید از این طریق کاری کنیم در عمل چیزی نیست جز يك ایستگاه در مقابل انقلاب مردم. معضل اینها نه درد و مشکلات مردم و نه اعدام و سنگسار و جنایات فراوان بر علیه مردم، بلکه به نوعی رام تر کردن حکومت و جلوگیری از خیزش اجتماعی است که همه اینها را به وحشت انداخته است. در مورد مبارزه بر علیه اعدام و سنگسار پرونده این جماعت یا خالی است و یا سیاه است.

اسلامی از زمان روی کار آمدن حکومت تا امروز بوده است. سنگسار يك جنایت غیر قابل تصور قرون وسطایی است که اگر در جامعه ای اتفاق بیفتد، گامها بشریت را به عقب میراند و نه فقط این بلکه ترس و وحشت عظیمی در جامعه ایجاد میکند. اینها ستونهای حکومت اسلامی بوده و هر مبارزه ای بر علیه این احکام و هر عقب راندن حکومت از این عرصه ها مستقیما به پایه و ستون حکومت تعرض کرده و يك جنبه مهم عقب راندن حکومت، ضربه زدن به قدر قدرتی حکومت و ریختن پشم اینهاست. ما این مبارزه را نه فقط يك جبهه مهم مبارزه برای سرنگونی حکومت میدانیم، بلکه

این جبهه مهم مبارزه علیه اسلام سیاسی است. يك جنبه دیگر این مبارزات دامن زدن به جنبش جهانی انسانی بر علیه اعدام و قتل عمد انسانهاست. ما در این کمپینها نشان میدهم که انسانیت مرز ندارد و نشان میدهم که اگر دست به دست هم بدهیم میتوانیم دولتهای فاشیستی چون جمهوری اسلامی ایران را به زانو زدن وادار کنیم. این بسیار در ایجاد اعتماد به نفس مهم است. این نوع عقب راندن حکومت، مردم را به سرنگونی حکومت امیدوارتر و آماده تر میکند. بهر حال این مبارزات حیاتی است و تا کنون نیز تاثیرات خود را نشان داده است. یکبار دیگر از همه عزیزانی که باعث پیشروی این کمپین جهانی شده

و حاجیه را نجات دادند سپاسگزاری میکنم. و در پایان اضافه میکنم که هنوز لیلا در معرض خطر اعدام است و حاجیه را نیز مدت دیگری ممکن است در زندان نگه داشته و مجددا توطئه بر علیه او را آغاز کنند. کبرا رحمانپور و افسانه نوروزی و تعداد زیاد دیگری در خطر هستند. باید به جنبش عظیم جهانی بر علیه اعدام دامن زد و باید کاری کرد که حکومت اسلامی ایران همه این احکام را لغو کرده و جرات نکند بیش از این کسی را اعدام کند. باید برای سرنگونی این حکومت جنایتکار بیش از پیش کوشید و روز مرگ این حکومت را نزدیکتر کرد. *

ملاقات نمایندگان کمپین نجات حاجیه با نماینده پارلمان اروپا

بنا بر اطلاع ۲۱ دسامبر مینا احدی، هماهنگ کننده کمپین نجات حاجیه، چند نماینده پارلمان اروپا در مقابل سفارت رژیم در برلین اعلام میتینگ اعتراضی کردند.

بر طبق این اطلاعیه "روز دوشنبه به دعوت الکساندر الوارو یکی از نمایندگان پارلمان اروپا، مینا احدی و حسین پیشه احسان در بروکسل، ملاقاتی با وی داشتند که اساسا به مقابله با حکم سنگسار حاجیه و جلوگیری از اعدام لیلا اختصاص داشت. در این نشست در مورد کمپین علیه حکم سنگسار حاجیه صحبت شد و آخرین اخبار در این مورد

مورد بررسی قرار گرفت. از طرف الکساندر الوارو اعلام شد که ایشان نامه ای به رئیس پارلمان اروپا و همه نمایندگان پارلمان نوشته و از آنها خواسته است که رسما حکومت اسلامی ایران را محکوم کرده و از کمپین نجات حاجیه و اقدامات مینا احدی دفاع کنند. در همین رابطه تا کنون بیش از ۶ نماینده پارلمان نامه اعتراضی برای خاتمی ارسال کرده و از کمپین نجات حاجیه دفاع کرده اند. در این نشست الوارو اعلام کرد که به دعوت او و دو نفر دیگر از نمایندگان پارلمان اروپا و آلمان در روز سه شنبه ۲۸ دسامبر، میتینگی اعتراضی در مقابل

تظاهرات شبانه!

در شهرهای سوئد و آلمان برای نجات جان حاجیه

یوتبوری در سوئد و کلن در آلمان در پاسخ به فراخوان کمپین نجات حاجیه و سازمان آزادی زن، در ساعت ۸ شب و در سرمای زیر صفر به خیابان آمده و به جمهوری اسلامی در مورد اجرای حکم اعدام و یا سنگسار حاجیه هشدار دادند. این حرکت در عین حال برای جلب توجه افکار عمومی و تحت فشار گذاشتن دولتهای غربی برای اعمال فشار به جمهوری اسلامی بود. این تظاهرات

اطلاعیه شماره ۱۲ کمپین نجات حاجیه

امروز در شهر جلفا در میان مردم شایعه شده بود که حاجیه اسماعیل وند را فردا چهارشنبه در میدان خمینی این شهر اعدام خواهند کرد. بنظر میرسد که این شایعه جمهوری اسلامی برای آماده سازی فضای شهر بود. شایعه شده بود که حتی میدان را برای اجرای حکم آماده کرده اند. بدنبال اطلاع از این شایعه و نگرانی از سنگسار یا اعدام حاجیه، تعدادی از مردم در شهرهای استکهلم و

از صفحه ۱ **قطعنامه سازمان ملل و ...**

پیش از این در سالهای قبل از ۲۰۰۲ نیز جمهوری اسلامی توسط سازمان ملل به خاطر نقض حقوق بشر بارها محکوم شده است. در واقع اوضاع کنونی بین المللی است که نزدیکی میان دولت‌های بزرگ اروپایی و آمریکا علیه حکومت اسلامی را برای جمهوری اسلامی خطرناک میسازد.

در قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل تعقیب مخالفان سیاسی، اعدام نوجوانان، شکنجه، سنگسار، تبعیض سازمان یافته علیه زنان، اذیت و آزار وابستگان به اقلیت‌های دینی، نقض آزادی بیان و مطبوعات و تجمع مورد انتقاد قرار گرفته است. در این قطعنامه تأکید شده است که جمهوری اسلامی باید فرد بی طرفی را به دادستانی بگمارد تا مانع اجرای مجازات‌هایی مثل سنگسار شود. در این قطعنامه همچنین از کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل و نماینده ویژه دبیر کل این سازمان در زمینه حقوق بشر نیز خواسته شده است به ایران سفر کنند و وضعیت این کشور را از نظر اقدامات غیر قانونی، اعدام‌های شتابزده، شکنجه و دیگر مجازات‌های بیرحمانه، غیر انسانی و تحقیر

آمیز" مورد بررسی قرار دهند. قطعنامه محکومیت نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی با ۷۱ رای مثبت، ۵۴ رای منفی و ۵۵ رای ممتنع به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید. اردن تنها کشور عربی است که به این قطعنامه رای مثبت داده است. و امارات متحده عربی تنها کشور عربی است که رای ممتنع داده است. این قطعنامه به ابتکار کانادا و تایید سی و سه دولت اروپایی به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه شده بود.

همانگونه که اشاره شد تصویب این قطعنامه بیش از آنکه بیانگر نگرانی دولت‌های امضا کننده از نقض حقوق بشر در ایران باشد، بیانگر یک تغییر توازن قوای دیپلماتیک به زیان جمهوری اسلامی است. دولت‌های امضا کننده این قطعنامه سالهاست که شاهد پایمال شدن ابتدایی ترین حقوق انسانی در ایران توسط جمهوری اسلامی بوده اند و نه فقط تلاشی برای مقابله با این حکومت نکرده اند بلکه تا آنجا که به دولت‌های اروپایی و برخی دولت‌های دیگر مربوط میشود از این دولت آشکارا حمایت کرده اند و روابط وسیع دیپلماتیک و اقتصادی

و سیاسی را با این حکومت برقرار کرده اند. خود حکومت آمریکا نیز بنا به اعتراف صریح جمهوری اسلامی و مقامات آمریکا در همین سالهای اخیر منظم در سطح هیئت‌های بلند پایه با جمهوری اسلامی در حال دیالوگ و رایزنی بوده است و این مراودات تا همین ماههای اخیر نیز بنا به برخی گزارشها ادامه داشته است. آمریکا رسماً از روی کار آمدن خاتمی در ایران حمایت کرد و دست دوستی به سوی آن دراز کرد. گزارش‌های متعددی از ساخت و پاختهای پنهانی بسیار گسترده تر پنهانی با جمهوری اسلامی توسط حکومت‌های مختلف آمریکا حکایت دارد. تا آنجا که به حقوق بشر و این قطعنامه مربوط میشود بسیاری از دولت‌های امضا کننده این قطعنامه خود از دولت‌هایی هستند که حقوق ابتدایی انسانی را در کشورهای خود مورد تعرض قرار میدهند. آنچه اکنون این دولت‌ها را به صرافت تصویب چنین قطعنامه ای کشانده در واقع شکست سیاست موسوم به "دیالوگ انتقادی" اروپا در قبال حکومت اسلامی است. تلاش حکومت اسلامی برای دست یابی به سلاح‌های اتمی، نقش مستقیم این حکومت در گسترش تروریسم اسلامی در عراق و

فلسطین و افغانستان و حتی افشای رابطه این دولت با سازمان‌های تروریستی ای مثل القاعده و کلا بی توجهی به مصالح دولت‌های غربی در سطح بین المللی همه تلاش‌های رام کردن جمهوری اسلامی را به بن بست کشاند. جمهوری اسلامی در یکی دو سال اخیر تلاش کرد از شکاف میان دولت‌های اروپایی و حکومت آمریکا، و بحران عراق و شکست سیاست آمریکا در عراق استفاده کند و موقعیت محکمتری را برای خود در سطح بین المللی ایجاد نماید و بعلاوه با طی کردن سریع آخرین مراحل تولید سلاح‌های اتمی موقعیت نظامی خود را مستحکم سازد. این تلاش‌ها عملاً منافع و سیاست‌های دولت‌های اروپایی را نیز مورد مخاطره جدی قرار داد و این دولت‌ها را در حمایت و مماشات با حکومت اسلامی خلع سلاح کرد. بعلاوه افشاکری وسیع بین المللی توسط نیروهای رادیکال اپوزیسیون، جمهوری اسلامی را در افکار عمومی بیش از پیش منفور ساخت و سیاست سازش و مماشات آنها با این حکومت را با مشکلات جدی مواجه ساخت. سخنگوی اتحادیه اروپا اعلام کرد که در سال آتی مساله ایران و عراق و فلسطین یکی از مسائل مهم در دستور این

اتحادیه خواهد بود. با توجه به همه اینها تصویب این قطعنامه میتواند رژیم اسلامی را با دشواریهای جدی ای در رابطه با دولت‌های غربی رودررو سازد.

جدا از همه این جنبه‌ها اعتراف يك مرجع مهم بین المللی به نقض گسترده و سیستماتیک حقوق بشر در ایران، علی‌رغم میل امضا کنندگانش فضای مناسب تری را برای مبارزه توده های مردم و نیروهای رادیکال و مردمی علیه این حکومت چه در داخل و چه در خارج ایران می‌گشاید و تا آنجا که به مردم مربوط میشود تا همین حد اهمیت دارد. نیروهای راست و پروغرب و حتی طیف‌هایی از نیروهای حاشیه رژیم مثل بقایای دو خردادها به روال معمول تلاش میکنند از آن برای توهم پراکنی در میان مردم و تبلیغ راه‌لهای تغییر از بالای سر مردم استفاده کنند. اما اپوزیسیون رادیکال و آزادی طلب میتواند این اعتراف دولت‌ها را بعنوان اهرم فشاری برای به‌انزوا کشاندن هرچه بیشتر حکومت منفور اسلامی در سطح بین المللی و رساندن صدای جنبش رادیکال و سرنگونی طلب مردم به گوش جهانیان مورد استفاده قرار دهد. *

نارضایتی ما حد و اندازه ندارد!

ما دیگر هیچ توهمی به این رژیم نداریم گفتگو با یک مجروح جنگی

مصاحبه‌ای با یک انسان، انسانی محروم که بخشی از این محرومیتش ناشی از صدمه ایست که در دوران جنگ ایران و عراق اتفاق افتاده است. در این مصاحبه او از بی توجهی رژیم ج.ا شکایت دارد. موضوعی که برای بعضی‌ها قابل تصور نیست.

آرش سمیعی

سؤال: شما يك مجروح جنگی هستید. اوضاع و احوالتان چگونه است؟ با توجه به مشکل جسمی تان، زندگی را به چه شکل اداره میکنید؟

جواب: رژیم اسم ما را جانباز نامیده. من جانباز ۶۰ درصد به حساب میام. هنوز ترکش خمپاره

دوران جنگ در تنم مانده است. اصلاً وضع درستی ندارم. سه فرزند دارم. خانواده ام با مشکل شدید اقتصادی روبرو هستند. يك پیکان قراضه دارم که با آن به اصطلاح کار میکنم و زندگی بخور نمیری را میگذرانیم. ماشینم مدل پائین است و همیشه با اصطلاح آفتابه لکن خرج لحیم میشود. دخترم دانشجویست. و پسرهایم هنوز دستان و دبیرستان. هزینه تحصیل اینها خود سر به فلک میزند. روزانه بیش از دوازده ساعت کار میکنم و متاسفانه نتیجه هیچ. فقر و فلاکت مطلق.

سؤال: شما که جانباز هستید و برای رژیم اسلامی جان خودتان را در طبق اخلاص گذاشتید و این بلا

بما نیازی ندارند و در نتیجه نمیخواهند کاری بکنند. اصلاً ما را ول کردند به امان خدا. والسلام. در مقابل خواست ما هم آنقدر توهین آمیز عمل میکنند که نگو و نپرس. طوری برخورد میکنند که اصلاً مشکلاتمان را مطرح نکنیم.

سؤال: آیا همه مجروحین جنگی وضعیتشان مثل شماست؟

جواب: در میان جانبازان فقط عده معدودی هستند که مجیز رژیم را میگویند و خوش خدمتی میکنند و در مقابل حقوق نسبتاً معمولی دریافت میکنند. بقیه هیچ تعداد مجروحینی که دیگر از رژیم دست شستند و کاری ندارند بیشتر است.

به نظرم بیش از ۸۵ درصد در شرایط من بسر می‌برند. بعد از جنگ بیشتر مجروحین به ادارات مختلف و ارگانها معرفی شدند. در اکثر مواقع موقعیت شغلی با وضعیت جسمی فرد خوانائی نداشت. در بعضی مواقع نیز در

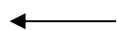
محل کار مردم به چشم جاسوس و مامور امنیتی به ما نگاه میکردند که دیگر اصلاً قابل تحمل نبود. خیلی‌ها کارشان را رها کردند و بیکار شدند.

سؤال: با این وضعی که شما تعریف میکنید، جو نارضایتی شدیدی در میان مجروحین حاکم است، آیا اینطور نیست؟

جواب: دقیقاً، بیشتر مجروحین، اسرای جنگی برگشته از عراق و خانواده‌های شهدا و فکر میکنم در مجموع بیش از ۹۰ درصد ناراضی هستند. و واقعا دوست دارند که دیگر سر به تن این حاکمان نباشد.

سؤال: علتش به نظر شما چیست؟

جواب: ببینید ما در مقابل این همه مشکلات انتظارمان از این رژیم بیش از دیگران است. اولاً ما



گفتگو با یک مجروح جنگی

رفراندم، فعلا هفته ای یک بار کتک!

نوید مینایی

رفراندم با وجود جمهوری اسلامی که یوازه ای بیش نیست. اگر بدون جمهوری اسلامی فرض شود هم در این بیانیه هیچ اشاره ای به براندازی نمی شود چون احتمالا براندازی عملی خشن است و در آن لابد شیشه های سوپر مارکت ها شکسته می شود!

بیانیه رفراندم چی ها بیانیه ای به شدت ناسیونالیستی و حقیرانه است. برای مثال هیچ جایی برای مدافعان حقوق بشر و حقوق کودک ندارد. برای کسی که نگران کودکان افغانی است هیچ جایی ندارد. به مردمی که به خیابان ها آمده اند هیچ نمی گوید. فقط بهبود اوضاع را به وقتی دیگر احاله می دهد. فرض کنیم امروز ۱۷ تیر است و من به این بیانیه پاسخ مثبت داده ام، خوب من فردا را نیز مثل هر روز دیگر باید در خانه و محل کارم در انتظار کوفی عنان بگذرانم تا روشنفکران طی مباحثاتی، آنان را با صندوق هاشان به سراغم بفرستند.

این طرح مرا به یاد یکی از پرونده های دادگاه می اندازد. یکی دو ماه پیش زنی به دادگاه مراجعه کرده بود و از دادگاه خواسته بود به شوهرش بگویند هفته ای فقط یکبار او را کتک بزنند... حالا که این زن دارد کمند اسارت را پاره می کند و می خواهد آزادی را یک جا و همه جانبه به دست بیاورد ریش سفیدان روشنفکر مجمعی تشکیل داده اندو حکم صادر کرده اند که نخیر شما اول باید به هفته ای یکبار کتک رضایت بدهید تا ببینیم بعدا چه می شود. فعلا در خانه بمان!

این طرح در يك کلمه عکس العملی در مقابل جنیش سرنگونی است. *

در یکی از جلسات پالتاکی که این دوستان برگزار کردند و یک مصاحبه هم با مهرانگیز کار ترتیب داده بودند یکی از مدافعان-که نظریه اصلی این گرایش و رفراندم خواهان را مطرح می کرد- معتقد بود: اصلا نباید عجله کرد. ما به دنبال راه حلی هستیم که با آرامش و بدون خشونت دموکراسی را بیاوریم، نباید انتظار داشته باشیم این طرح دو سه ساله جواب بدهد. ما اول باید شورای نگهبان را برداریم و بعد از چند سال ولایت فقیه را به جای

رفراندم در مقطع کنونی و اوضاع مشخص سیاسی ایران با این توازن قوا اگر بدخواهانه نباشد، که هست، از سراسر استیصال و مقابله با گردش جامعه به چه هم هست. این را می توان از حامیان این طرح هم به راحتی تشخیص داد. نیروهایی که همواره به دنبال جمهوری اسلامی دویده اند، چه در زمان رفسنجانی که معتقد بودند دولت در حال گسترش سرمایه داری را باید تقویت کرد، چه در دوره خاتمی که به نام دولتی که دارد به مردم آزادی می دهد و نباید تضعیفش کرد! این نیرو ها همواره در بازی های سیاسی که از طرف جناحهایی از رژیم شروع می شود شرکت می کنند و همیشه نقش برادر کوچکتر را در این بازی ها دارند. (سازمان اکثریت از سرسخت ترین مدافعان طرح رفراندم است و به عنوان بهترین تاکتیک برایش تبلیغ میکند و پیشنهاد کاندیداتوری مهرانگیز کار را برای ریاست جمهوری در سر می پروراند). با این طرح تلاش میکنند ثابت کنند که در همین چهارچوب موجود هم می توان کار هایی کرد و می توان در جمهوری اسلامی تمرین دموکراسی کرد!

در اختیار آنها قرار دادند. روزنامه یوتوبوری پستن گزارشی از این میتینگ اعتراضی منعکس کرد. در شهر کلن آلمان نیز در حالیکه سرمای هوا بیداد میکرد، دهها نفر در میدان مرکزی شهر مقابل کلیسای قدیمی "دم" تجمع کرده و علیه حکم سنگسار حاجیه تظاهرات کردند. از این میتینگ خبرنگار رادیو فردا، خبر و گزارش تهیه کرد و مصاحبه ای با

مینا احدی ترتیب داد. نباید گذاشت حاجیه را از ما بگیرند. حاجیه گناهی نکرده است. این سران جنایتکار حکومت اسلامی هستند که به جرم ۲۵ سال جنایت علیه مردم ایران و علیه بشریت باید به محاکمه کشیده شوند.

سران جنایتکار حکومت اسلامی مستقیما در صدور این احکام جنایتکارانه شریک اند و مطمئن باشند

دست داده، بیش از دیگران مورد ظلم و جور و ستم قرار گرفته است و به همان نسبت بیش از دیگران ناراضی است، مگر اینکه سر در آخور اینها داشته باشد.

سؤال: به نظر شما اینها تا چه حد دوام میاورند و مقاومت میکنند که خودشان را حفظ کنند؟

جواب: نمی دانم چقدر. ولی این را میدانم که اینها خیلی جریان کثیفی هستند که فقط پول و قدرت را میشناسند و بس. من واقعا خیلی دلم میخواد هر چه زودتر گورشان را کم کنند تا مردم سرنوشتشان را خودشان رقم بزنند.

سؤال: اگر مثلا تلویزیون و یا رادیویی باشد که بخواهد این مشکلات و دردهای شماها را به گوش همه برساند و منعکس کند، دوست دارید که این مصاحبه را پخش کنند تا همه ببینند و بشنوند؟

جواب: حتما خیلی خوشحال میشوم. البته که دوست دارم مردم بدانند که این رژیم برای ما چکار کرده است و مطمئن باشند که ما نیز مثل سایر مردم در رنج و عذاب هستیم.

- ممنون از مصاحبه ای که با ما داشتید.

- من هم ممنونم که حرفها و درد

ها برای این پیشرفتها کار کردیم و زندگی ما را در راه هست و نیستشان فدا کردیم. جسممان را ناقص کردیم و بهر حال عقائدی داشتیم. و الان همه را نابود شده میبینیم و انتظار داشتیم که حداقل به زندگی ما اهمیت میدادند. الان متوجه میشوم که چه کلاه بزرگی به سرمان رفته و دیگر نمیشود کاری کرد. بنابراین به همین نسبت نارضایتی ما حد و اندازه ندارد. ما دیگر هیچ توهمی نسبت به اینها نداریم.

سؤال: حال این خانواده ها با این همه نارضایتی در مورد آینده چه فکر میکنند؟

جواب: بیشتر دیگر درمانده شده و کاملا به بن بست رسیده اند. از طرفی در میان مردم گاو پیشانی سفید هستند و مردم اعتماد چندانی به آنها ندارند. ولی در کل فکر میکنم اگر ببینند راهی برای در آمدن از این شرایط است حتما به دنبال دیگران خواهند رفت. ما بیشتر از سایر مردم به عمق کثافات این نظام واقفیم. تبعیض و نابرابری را بیش از دیگران شاهدیم و با دل و جان لمس میکنیم. شوخی نیست وقتی انسان جسمش را در راه این نظام ناقص کرده و یا عزیزی را از

تظاهرات شبانه

از صفحه ۳

رادیوها همزمان منعکس کردند. کیمیا پازوکی متن نامه اعتراضی به حکم سنگسار حاجیه را به دست مسئولین وزارت امور خارجه رساند. در پایان این آکسیون معترضین تصمیم گرفتند که ساعت ۱۰ صبح روز سه شنبه مجددا در این محل اجتماع کنند.

در شهر یوتوبوری نیز در پاسخ به فراخوان کمپین نجات حاجیه و سازمان آزادی زن، دهها نفر در میدان مرکزی شهر در مقابل ساختمان یوتوبوری پستن تجمع کردند. شهلا نوری مسئول جمع آزادی زن در گوتنبرگ همراه با دیگر نمایندگان سازمانهای حمایت کننده به داخل ساختمان یوتوبوری پستن دعوت شدند و در مورد سرنوشت حاجیه اسماعیل وند و لزوم اقدامات عاجل صحبت کردند و نامه اعتراضی سازمان آزادی زن که به سازمانها و رسانه های گروهی فرستاده شده بود را

اضطراری که فراخوان آنها تنها دوساعت قبل از تظاهرات داده شده بود، با استقبال مردمی که از طریق رادیوهای محلی مطلع شده بودند قرار گرفت و در رسانه های مختلف انعکاس یافت. در استکهلم بدنال مصاحبه های مینا احدی با رادیوهای متعدد در استکهلم و دعوت او از ایرانیان برای برگزاری تظاهرات، فراخوان سیاوش دانشور و کیمیا پازوکی دهها نفر در مقابل ساختمان وزارت امور خارجه دولت سوئد اجتماع کردند. در این اجتماع ایرانیان آزادیخواه با روشن کردن شمع و حمل شعارهایی که خواهان توقف فروری مجازات سنگسار و اعدام بود دست به اعتراض زدند. از این میتینگ روزنامه مترو خبر و گزارش منعکس کرد. همینطور اجتماع کنندگان از محل وزارت خارجه با رادیوهای ایرانی تماس گرفتند و گزارش این اعتراض را از طریق

مینا احدی

هماهنگ کننده کمپین نجات

حاجیه

۲۱ دسامبر ۲۰۰۴

اخباری از مبارزات و مسائل کارگری

گزیده هایی از اطلاعاتی های حزب کمونیست کارگری

کارخانه نخ خمین

در پی بیش از یکماه مبارزه و اعتصاب، روز ۲۹ آذر کارگران کارخانه نخ خمین که شمار آنها به ۵۵۰ نفر می رسد با انجام یک راهپیمایی و سپس اجتماع در مقابل فرمانداری این شهرستان از فرماندار خواستند که به خواست آنها رسیدگی کند. خواست کارگران پرداخت فوری ۳ ماه دستمزد معوقه است. روز ۲۶ آذرماه کارفرما در اجتماع کارگران اعتصابی در کارخانه حاضر شد و از کارگران خواست که به اعتصاب خود پایان دهند که با پاسخ قاطع کارگران مبنی بر پرداخت فوری دستمزدها بعنوان شرط پایان اعتصاب روبرو شد. در اجتماع اعتراضی روز ۲۹ آذرماه، کارگران در حالی که خشمگینانه خواست خود را فریاد می زدند از فرماندار ضمانت خواستند که دستمزد معوقه کارگران فوراً پرداخت شود. در این اجتماع، کارگران از جمله به فرماندار گفتند که: "شما به عنوان فرماندار یک روز در کارخانه حاضر نشدید تا صحبت و مشکلات ما را از نزدیک ببینید." کارگران اعلام کردند در صورت پرداخت دستمزدها به اعتصاب پایان خواهند داد. فرماندار ابتدا سعی کرد با گفتن اینکه "دشمنان از راهپیمایی و تحصن شما سوء استفاده می کنند" کارگران را آرام کند. ولی موفق نشد. کارگران از فرماندار خواستند که ضمانت کند که دستمزدهای معوقه بلافاصله پرداخت شود. در آخر فرماندار قول داد که مسئله را پیگیری کند. تجمع و راهپیمایی اعتراضی کارگران پس از یکساعت پایان یافت.

کارخانه صندوق نوز خرم

کارگران این کارخانه در اعتراض به تعویق در پرداخت دستمزدها در اواخر آذرماه دست از کار کشیدند. کارگران اعتصابی مدیریت کارخانه را مورد مواخذه قرار دادند که چرا ۳ ماه دستمزد کارگران را پرداخت نمی کند و به تعهدات خود در زمینه فراهم کردن وسایل ایمنی و لباس و کفش کار برای کارگران، عمل نمی کند. کارفرما دلیل نپرداختن دستمزد کارگران را کمبود نقدینگی

اعلام کرد. اما کارگران می گویند که شکم گرسنه خود و اعضای خانواده شان با "کمبود نقدینگی" سیر نمی شود و با "کمبود نقدینگی" نمی شود مخارج کرایه خانه و خرج خورد و خوراک و پوشاک و مدرسه بچه ها را پرداخت کرد. کارگران دستمزدهای خود را میخوانهند و دست از مبارزه بر نمی دارند.

مبارزات کارگران برای گرفتن طلبهای خود با فرا رسیدن ماههای آخر سال اوج تازه ای یافته است. این ماهها سنتا ماههای مبارزه بر سر افزایش دستمزد و گرفتن دریافتی های پایان سال نیز هست. مبارزه حول دستمزدهای معوقه و به همراه آن گسترش اعتراضات حول افزایش دستمزدها را باید متحدهانه گسترش داد. دستمزد و همه دریافتی های کارگران نه تنها باید به موقع پرداخت شود بلکه دستمزد پایه کارگران مطابق تامین نیازهای یک خانواده کارگری و نرخ تورم باید فوراً افزایش یابد. حزب کارگران را فرا می خواند که با تشکیل مجامع عمومی در هر کارخانه، در مورد مزد و مزایای شغلی چه در سطح سراسری و محلی تصمیم بگیرند و این تصمیم را با تکیه به مبارزه دسته جمعی به کرسی بنشانند.

شرکت رامشیر در بوشهر

۱۱۰۰ کارگر شرکت رامشیر در استان بوشهر در اعتراض به تعویق ۴ ماهه حقوقشان، در اواخر آذرماه دست از کار کشیدند. رامشیر یک شرکت پیمان کاری است و از شهریور ماه تا به امروز حقوق کارگرانش را پرداخت نکرده است. اعتصاب کارگران به نگرانی مقامات و مسئولین شهر بوشهر دامن زده است. بنابر اعتراف مقامات رژیم، کارگران منطقه بوشهر و منطقه ویژه عسلویه با مشکل دریافت دستمزدهایشان مواجه هستند و بطور مشخص شرکت رامشیر در نپرداختن دستمزد کارگران سابقه طولانی دارد. گفتنی است که در منطقه ویژه عسلویه که بزرگترین طرح های مربوط به احداث پالایشگاههای نفت و گاز در حال اجرا می باشد، بیش از ۵۰ هزار

کارگر مشغول به کار هستند. یکی از مقامات خانه کارگر در این منطقه گفته است که: "نپرداختن دستمزد و بروز اعتصاب می تواند برای امنیت کشور و شرکت نفت خطرناک باشد."

نساجی پارس

کارگران کارخانه نساجی پارس در حوالی رشت حدود ۷ ماه است که دستمزدی دریافت نکرده اند. کارگران که اعتراضات مکرر آنان بی نتیجه مانده است، تصمیم دارند به نشانه اعتراض به نپرداختن دستمزدهایشان از رشت به طرف تهران پیاده روی کنند.

معدن سفید کوه

روز پنجشنبه ۲۶ آذرماه تعداد ۱۲ تن از کارگران معدن کوه سفید که بعد از پایان کار عازم خانه هایشان بودند، به دلیل ریزش شدید برف و باران در ارتفاعات شهرستان خرم بید، مفقود شدند. مقامات رژیم در منطقه اعلام کرده اند که جستجو برای پیدا کردن مفقود شدگان ادامه داشته و تا روز شنبه ۲۸ آذر ماه اثری از کارگران نامبرده پیدا نشده است.

کارخانه آذرخش شاهرود

روز ۲۹ آذر ماه ۳۰ تن از کارگران اخراجی این کارخانه در اعتراض به بیکار شدن خود در مقابل اداره کار و امور اجتماعی شاهرود تجمع کردند. کارگران اخراجی دلیل اخراج خود را ابراز نارضایتی از شرایط سخت و ناامن کار و اعتراض به سواستفاده مالی مدیریت اعلام کرده اند. بنا به گفته کارگران در کارخانه آذرخش که حدود ۱۰۰ کارگر در آن مشغول بکار هستند، محیط و فضای کاری بشدت آلوده است و کارفرما از تامین لوازم ایمنی و بهداشتی لازم برای کارگران طفره می رود. در این کارخانه از کفش ایمنی، دستکش ایمنی، صابون کافی و شیر مصرفی که حداقل دو بار در هفته باید به کارگران داده شود، خبری نیست. از سوی دیگر پرداخت دستمزد کارگران حدود سه ماه است که به تعویق افتاده است. کارفرما در واکنش به اعتراض کارگران بیشرمانه گفته است که عده

ای از کارگران بدلیل "عدم انجام تعهدات کاری" خود اخراج شده اند و عده ای نیز بدلیل پایان مدت قراردادشان و عدم نیاز به کار آنها اخراج گردیده اند.

شرکت قطعات اتومبیل

خراسان

در اواخر آذرماه گروههایی از کارگران شرکتهای ایپاکو که سازنده قطعات اتومبیل است و شش کارخانه رینگ سازی مشهد، الکترو خودرو، اگزوز خودرو خراسان، کابل خودرو سبزوار، ایمن خودرو خراسان و قطعات محوری خراسان را شامل می شود، بدلیل عدم واگذاری سهام این کارخانجات به کارگران دست به اعتراض زدند. کارگران با تجمع در محل کار خود از مسئولین ایران خودرو خواستند که سهام این کارخانجات را که قبلاً وعده آنها به کارگران داده شده بود، به ۴۵۰۰ شاغل این مراکز تولیدی واگذار کنند. کارگران چندی پیش نمایندگان را برای مذاکره به تهران اعزام داشتند که در طی دیداری با معاون سازمان گسترش سرمایه گذاری ایران خودرو به هیچ نتیجه ای نرسیدند. کارفرمایان این کارخانجات به کارگران قول مساعد داده اند که خواست کارگران را پیگیری کنند.

کنسرو سازی فدک

کارگران شرکت کنسرو سازی فدک در خوزستان نسبت به نبود امنیت شغلی، معترضند. بیشتر کارگران این شرکت با قراردادهای سفید و کوتاه مدت کار می کنند و نگرانی از اخراج مشکل دائمی کارگران را تشکیل می دهد. در این شرکت کارگران با ۱۰ سال سابقه کار مجبور می شوند که قراردادهای سه ماهه امضا کنند. کارفرما از این طریق کارگران را مورد استثمار بیرحمانه قرار می دهد و با تهدید دائم چماق اخراج، می خواهد کارگران را به سکوت بکشاند. اما کارگران از پایمال شدن حقوق خود و نداشتن امنیت شغلی بشدت ناراضی هستند.

شرکت کرم کیمیکال

کارگران این شرکت ۴ ماه است که حقوق نگرفته اند. تعداد کارگران کارخانه کرم کیمیکال ۷۰ نفر است و عدم پرداخت دستمزدها، زندگی کارگران را با مشکلات جدی روبرو ساخته است. در طول مدتی که دستمزد کارگران پرداخت نگردیده، کارفرما از قبل کار کارگران و با توجه به بازار فروش پر رونق، سود هنگفتی به جیب زده است.

اعتصاب در ماشین سازی اراک

کارخانه و نه مقامات سازمان تامین اجتماعی هیچکدام به وضعیت آنها توجه کافی ندارند. آنها می خواهند که قانون بازنشستگی پیش از موعد مشاغل سخت و زیان آور درمورد کارگران بدرستی به مورد اجرا گذاشته شود. کارگران اعلام کرده اند که به مبارزه برای وصول حق خود ادامه خواهند داد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳ دیماه ۱۳۸۳ - ۲۳ دسامبر

روز دوم دیماه گروههایی از کارگران مجتمع بزرگ ماشین سازی اراک دست به اعتصاب زدند. کارگران اعتصابی که بیش از ۳۰۰ نفر بودند نسبت به نادیده گرفتن موقعیت شغلی سخت و زیانبار خود که باید به بازنشستگی پیش از موعد کارگران بیانجامد، معترضند. بسیاری از این کارگران به دلیل کار در محیط های آلوده بویژه در کارگاههای متالورژی و آهنگری متحمل ضایعات جسمی و روحی شده اند. کارگران بر این باورند که نه مسئولین

دو نمونه از اتحاد طبقاتی در میان کارگران! الگویی برجسته از همبستگی کارگری!

اعتصاب کارگران نساجی کردستان در حمایت از همکاران قراردادی

اعلام همبستگی کارگران رسمی ایران خودرو با کارگران قراردادی اتحاد کارگری رمز موفقیت مبارزه کارگران است

کارگران توانستند به کارفرما و دولت بقبولانند، این اقدام کارگری اخیر نیز در نوع خود بسیار برجسته است.

این الگویی برجسته از همبستگی کارگری و نمایش اتحاد طبقاتی کارگران علیه سرمایه داران است که باید با قدرت هرچه بیشتر از جانب سایر کارگران مورد پشتیبانی قرار گیرد. کارگران نساجی روز به روز آبدیده تر و با تجربه تر وارد مبارزه علیه توطئه های کارفرما و دولت شده اند.

ما ضمن حمایت از این مبارزه و خواست کارگران نساجی، این اقدام آنها را ارج مینهیم و از همه بخشهای دیگر کارگری در کردستان و ایران دعوت میکنیم که از این حرکت کارگران نساجی با تمام قوا پشتیبانی کنند.

**زنده باد اتحاد طبقاتی کارگران
کمیته کردستان حزب کمونیست
کارگری ایران**

۲۲ دسامبر ۲۰۰۴

بر اساس آخرین خبر رسیده به کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران، کارگران نساجی کردستان در شهر سنندج در اعتراض به عدم تمدید قرارداد ۵ نفر از همکاران خود، امروز چهارشنبه دوم دیماه ساعت دو بعد از ظهر، ماشینهای کارخانه را خاموش کرده و دست به اعتصاب زدند.

طی اطلاعیه قبلی به اطلاع رساندیم که کارگران به کارفرما مهلت داده بودند، اگر تا روز سه شنبه اول دی ماه قرارداد ۵ نفر از کارگران قراردادی تمدید نشود، دست به اعتراض خواهند زد. این پنج نفر تهدید کرده بودند در شرایطی که قراردادشان تمدید نشود، دست به اعتصاب غذا میزنند. کارگران نساجی در حمایت از همکاران خود وارد میدان شده و با قدرت و همبستگی قابل توجهی در دفاع از این پنج رفیق خود، دست به اعتصاب زدند. به دنبال تحمیل حقوق دوران اعتصاب که برای اولین بار تحت حاکمیت رژیم اسلامی

کارگران ایران خودرو، الگویی است که باید در همه جا فراگیر شود. حزب کمونیست کارگری کارگران مراکز مختلف را به حمایت از مبارزات یکدیگر فرا میخواند. یک رمز فائق آمدن بر پراکندگی جنبش کارگری و سراسری شدن مبارزات کارگران اعلام حمایت و پشتیبانی از مبارزات یکدیگر است که می تواند بخشهای مختلف کارگران را بهم نزدیک کند، مبارزات پراکنده را به مبارزات متحد و قدرتمند تبدیل کند و کمر رژیم و سرمایه داران را بشکند. حزب به کارگران ایران خودرو درود می فرستد و امیدوار است که مبارزه آنها علیه قراردادهای موقت کار به موفقیتی برای همه کارگران کشور برای مقابله با این شکل بهره کشی وحشیانه تبدیل شود.

**زنده باد اتحاد کارگران
مرگ بر رژیم اسلامی سرمایه داران
حزب کمونیست کارگری ایران**

۲ دیماه ۱۳۸۳ - ۲۲ دسامبر ۲۰۰۴

خود همه کارگران را به اتحاد و همبستگی دعوت کرده اند و در اطلاعیه خود گفته اند: "دوستان کارگر، موفقیت کارگران پیمانکار به حمایت ما کارگران رسمی بستگی دارد. در هر قسمت که هستیم از دوستان خود حمایت کنیم. آنها را در این مبارزه تنها نگذاریم. کارگران درد مشترک و خواست مشترک دارند. اجازه ندهیم بین ما تفرقه بیاندازند. تنها در هوشیاری و آگاهی و اتحاد و همبستگی ما کارگران است که دشمن مشترک شکست خواهد خورد." و بالاخره در این اطلاعیه خطاب به کارگران قراردادی و پیمانی آمده است: "دوستان کارگر پیمانکار، خواست شما خواست ما نیز هست. مطمئن باشید ما در این راه شما را تنها نخواهیم گذاشت. با حفظ هوشیاری و اتحاد و همبستگی خود گور شرکتهای پیمانکاری را بزودی با دستان توانمند خود خواهیم کند. زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران!"

اتحاد و همبستگی در بین

جمعی از کارگران ایران خودرو با صدور اطلاعیه ای حمایت و همبستگی کارگران رسمی این کارخانه را با مبارزات اخیر کارگران قراردادی و پیمانی این شرکت اعلام کردند. در این اطلاعیه آمده است که خواست کارگران قراردادی و رسمی خواست کارگران رسمی نیز می باشد و اعمال هیچ تبعیضی میان بخشهای مختلف کارگران قابل پذیرش نیست. در این اطلاعیه با تاکید بر خواست دستمزد مساوی در مقابل کار مساوی، گفته شده است که این خواست کارگران قراردادی و پیمانی، طبیعی ترین مطالبه ای است که کارگران در مقابل بهره کشی افسار گسیخته سرمایه داران می توانند مطرح کنند. در بخشی از این اطلاعیه آمده است: "کارگران قراردادی و پیمانی خواهان استخدام رسمی، لغو قراردادهای موقت و انحلال شرکتهای پیمانکار می باشند و ما از خواستهای بر حق آنان پشتیبانی می کنیم." این گروه از کارگران در اطلاعیه

سه برادر دستگیر شده در بوکان، آزاد شدند

امروز چهارشنبه دوم دی ماه برابر با ۲۲ دسامبر، جمهوری اسلامی ایران مجبور شد، در مقابل اعتراضات مردم بوکان و ایران و اعتراض در سطح بین المللی، سه برادر دستگیر شده محسن، یاسین و عزالدین حسینی را آزاد کند.

این سه برادر در یک یورش شبانه در تاریخ ۲۹ نوامبر از سوی مزدوران حکومت اسلامی، در خانه خود روده شدند. ابتدا حکومت اسلامی ایران منکر دستگیری آنها شد و خطر جانی هر سه برادر را تهدید میکرد. در اعتراض به این آدم ربایی رسمی حکومت اسلامی، خانواده این سه نفر، مردم بوکان و سازمانهای مدافع حقوق انسانی به این رفتار بیشرمانه حکومت اسلامی یک حرکت مهم را

به سر انجام خود رساندند. رژیم اسلامی ناچار به اعتراف شد و اعلام کرد که آنها در بازداشت بسر میبرند. امروز خبر عقب نشینی رژیم اسلامی رسماً اعلام شد و این سه برادر را آزاد کرد. نامه سرگشاده مادر و برادران این سه نفر و تحسن مردم در بوکان و مجموعه نامه های اعتراضی در سطح بین المللی، این سه نفر را از خطر حتمی نجات داد.

این خبر خوش، همزمان بود با خبر عقب نشینی رژیم اسلامی در مورد حکم سنگسار حاجیه اسماعیل وند که با یک کمیسیون جهانی وسیع، حکومت را به زانو زدن وادار کرد و یک پیروزی دیگر را برای جنبش اعتراضی و انقلابی مردم بر علیه حکومت اسلامی به ارمغان آورد.

جمهوری اسلامی ایران، با این دو عقب نشینی یکبار دیگر نشان داد که در موقعیت شکننده ای است. مردم معترض میتوانند این رژیم جنایتکار را به عقب نشینی های بیشتری وادار کنند.

ما آزادی محسن و یاسین و عزالدین حسینی را به مادرشان، به برادران و اعضا خانواده این عزیزان و همه مردم بوکان و ایران و همه کسانی که برای آزادی این سه نفر تلاش کردند، تبریک میگوییم. با گسترش مبارزات خودمان باید حکومت اسلامی را سرنگون و بر ویرانه های این حکومت، جامعه ای آزاد، برابر و مرفه را سازمان دهیم.

**کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران**

۲۲ دسامبر ۲۰۰۴

تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۸ تا ۹:۳۰ به وقت تهران

مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12
Center Frequency: 12608 MHz
Symbol Rate: 19279
FEC: 2/3
Polarization: horizontal

رادیو انترناسیونال

۴۱ متر ردیف ۷۴۹۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹ به وقت تهران



سیزدهمین سالگرد تشکیل حزب در آلمان گرامی داشته شد

در يك مراسم پرشور سیزدهمین سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران در شهر کلن آلمان روز شنبه ۱۸ دسامبر برگزار شد. مراسم پس از خوشامدگویی و صحبت کوتاهی از جانب نازنین برومند دبیر تشکیلات آلمان با سرود انترناسیونال و اعلام يك دقیقه سکوت بیهاد جانباختگان راه سوسیالیسم و آزادی شروع شد. سپس يك فیلم از سخنرانی منصور حکمت در کنگره دوم حزب کمونیست کارگری ایران پخش شد و حاضرین را بشدت تحت تاثیر قرار داد. سپس سخنرانان مختلف از جوانب مختلف جایگاه و اهمیت و نقش حزب کمونیست کارگری ایران را مورد بحث قرار دادند. آذر ماجدی در اشاره به سخنان منصور حکمت بر این تاکید کرد که حزب کمونیست کارگری اکنون نقش انکار ناپذیری در شرایط سیاسی ایران دارد و حتی در خارج از قدرت نیز منشا اثر مستقیم در تغییر زندگی انسانهاست. مینا احدی به جایگاه حزب در مقابله با سیاستهای ضد انسانی و ضد زن جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی اشاره کرد. کاظم نیکخواه و محمد آسنگران نیز بر این

تشیکلات خارج کشور حزب
کمونیست کارگری ایران - آلمان
۱۸ دسامبر ۲۰۰۴

دولتهای غربی راه رژیم پنج آمریکائی را هموار کند. امری که آقای همایون مشتاقانه در پی آنست و نیروهای دیگر اپوزیسیون بورژوازی مثل حزب دمکرات کردستان ایران و قوم پرستان پیشاپیش با حمایت از بوش به سمتش دورخیز کرده اند. همه عناصر این سناریو کهنه تر از کهنه است. از بازیگرانش تا سیاستهایش تا اهدافش. آنچه راست را به تکاپو انداخته است زمین لرزه ای است که صدایش را همه شنیده اند و رنگ سرخ اش را

کمونئیستها از موضع آریائی لعن و نفرین فرستادند و به کلی یادشان رفته که خودشان تا چندی قبل به مضحکه دو خرداد با دیده مثبت نگاه میکردند. اما اگر از قلمرو آژیتاسیون کمی فاصله بگیرند میبینند این نیروهای کهنه سیاست ایران هستند که در تقابل با نوگرایی و تغییر ناچارند در بسته بندیهای مختلف در مقابل جنبش آزادی و برابری قرار بگیرند. نه فراندم و مجلس موسسان جدید است و نه به در کنار هم قرار گرفتن این نیروها "پیروزی" میتوان اطلاق کرد. همیشه سلطنت طلبان دنبال این بودند که با جمهوریخواهان و مصدقی ها اتحاد کنند و همیشه جمهوریخواهان دنبال سلطنت طلب "دمکرات" برای انتتلاف بودند. تاریخا دوری و نزدیکی عناصر و شاخه های مختلف در اپوزیسیون راست يك قاعده بوده است تا يك استثنا. ماهیت و اهداف و اصول این نیروها نه تنها تغییر نکرده است بلکه در متن اوضاع منطقه ای و جهانی هم راست تر شده اند. اینکه بخشی از اینها حول يك بیانیه اینترنتی چند اطلاعیه صادر کنند و دوره ای را به چراغانی و سرگرمی مشغول شوند فقط میتواند مسکنی برای روحيات بی افق و مزوری خانواده مشروعه مشروعه باشد نه بیشتر. اگر به موردی بتوان جدید اطلاق کرد تلاش و یاریگیری در درون راست برای مقابله با انقلاب و رشد چپ زیر يك پرچم کهنه است که اینهم در تاریخ تحولات سیاسی و انقلابی به وفور تکرار شده است. این بسته بندی و ویتترین "انقلاب مخملی" است که در ایران بنا به خصوصیات جمهوری اسلامی، جامعه ایران و شرایط انقلابی بیشتر به "توهمات مخملی" شبیه است. اما و در عین حال این صفتبندی جدید نیروهای راست به اهداف و سیاستهای دیگری در داخل و خارج نیرو میدهد. در داخل و در درون رژیم در آستانه انتخابات ریاست جمهوری و بهم ریختگی جناحها، شرایط را برای تغییر تناسب قوا به نفع خط رفسنجانی تغییر میدهد. در خارج ویتترین انقلاب مخملی فراندم و مجلس موسسان تلاشی است برای شکل دادن به يك جانشین و آلترناتیو حکومتی که در متن تشدید تضادهای جمهوری اسلامی و

همه دیده اند. منافع طبقاتی پایه ای تری این نیروها را کنار هم قرار داده است. و این هم البته کهنه است، به کهنگی جامعه طبقاتی و مکانیزم انقلاب و تغییر. بیخود نیست که اینروزها از خاتمی و رفسنجانی تا تحکیم وحدتی ها و زرافشان و داریوش همایون و دیگران علیه کمونیسم در يك صف منبر میروند! اینبار اما حزب و جنبش کمونیسم کارگری در صحنه جدال برسر قدرت سیاسی حاضر است و این خوابهای بورژوازی را به کابوس تبدیل میکند. *



سیاوش دانشمند

در حاشیه رویدادها

انقلاب، انقلاب مخملی، رژیم پنج

اعتراض مردم را بدرستی مشاهده کرده اند. صف فراندومیهای امروز تلاشی طبقاتی تر برای مقابله با روند چپ و انقلابی در جامعه است که این نیز تلاشی کلاسیک بویژه در دوره های انقلابی است.

حقیقتی که منصور حکمت در کنگره سوم حزب عنوان کرد دارد اتفاق می افتد. با شکست پروژه دو خرداد بخشی از نیروهای جنبش ملی اسلامی به صف جریان راست محافظه کار میپیوندند. پرچم اینبار "اعلامیه جهانی حقوق بشر" است، "فراندم و مجلس موسسان" است. بخشی از دو خرداد در مدار حاکمیت ماند و بخش دیگر چه در داخل و حاشیه حکومت و چه در خارج در هیئت جمهوریخواهان گوناگون دکان سیاسی جدیدشان را باز کردند. طرفداران سابق خمینی و خامنه ای و خاتمی و رفسنجانی این بار با مشروطه طلبان و پهلوی چی ها در يك جبهه قرار گرفتند. در این میان جناحهایی از راست محافظه کار و جمهوریخواه با این آرایش و صفتبندی جدید راست بدلالی تاریخی که ویژه این خاندان است مخالف اند و یا با شرط و شروطی برای خودشان نرخ تعیین میکنند. از طرف دیگر دو خرداد حکومتی بدلیل از دست دادن نیرو در مقابل این روند مخالفت میکنند. مخالفتی که نه راه بجائی میبرد و نه آلترناتیوی برای بسیج نیروهایش دارد. سازمان اکثریت، حزب مشروطه ایران، مشروطه خواهان خط مقدم، جبهه ملی و جمهوریخواهان، بخشی از نیروهای دو خرداد در داخل از تحکیم وحدتی ها تا زرافشان و سازگارا و نزدیکان رفسنجانی در يك صف قرار گرفته اند!

"نخستین پیروزی گفتمان نسل چهارم!"

آقای داریوش همایون ذوق زده شدند و این آرایش جدید را "نخستین پیروزی گفتمان نسل چهارم"؟! نام نهادند. در مطلبشان در نیمروز به

"فراخوان ملی فراندم" اسم رمز جدید آرایش نیروهای اردوی راست در مقابل اردوی چپ و جنبش کمونیسم کارگری است. به زبانی کلاسیک تر این تلاش نیروهای حافظ وضع موجود و اردوی ضد انقلاب در مقابل نیروهای انقلاب برای تغییر وضع موجود است. این نقطه سازش جدیدی است که قرار است به مبارزه مردم برای نفی وضع موجود تحمیل شود. فراندومیهای امروز تفاوتشان با فراندومیهای دیروز اینست که جمهوری اسلامی نمیخواهند. یعنی خواهان تغییراند اما نه در چهارچوب رژیم. قبلی ها عمدتاً فرض را بر وجود رژیم اسلامی و چهارچوب قانون اساسی میگذاشتند. فراندومیهای امروز درست مانند فراندومیهای دیروز نیروهای کهنه سیاست ایرانند. جریان متعلق به دو سنت سیاسی بورژوازی ایران، سنت ملی اسلامی و راست محافظه کار. عمده این نیروها در دوره های مختلف از این یا آن تغییر آرایش درون حکومتی حمایت مستقیم و یا مشروط کرده اند. اینها همان نیروهای سابق اند، نیروهای مدافع ارتجاع و استبداد و اسلام و سرمایه داری در ایران. پس چه فاکتوری ماهیتی جدید به حرکت امروز اینها میدهد؟ دنبال شکست دو خرداد و پروژه نوبل، نسخه تغییر از درون رژیم دیگر قابل تکرار نیست. اینبار همان تلاش با همان اهداف یعنی مقابله با روند سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی قرار است از بیرون رژیم صورت گیرد. توسط نیروهائی که از دو خرداد هزیمت کرده اند و جذب راست بیرون حکومت شدند. امروز نفی جمهوری اسلامی و یا امید نداشتن به تداوم این حکومت مکان مهمتری را در سیاست اپوزیسیون راست و دولتهای غربی پیدا کرده است. به ویژه برآمد چپ در جامعه چه در قامت جنبش حزبی و سیاسی و چه در جنس